

ابوطالب علیه السلام برگزیده‌ای ناشناخته - حامد فرج پور

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث **سقینه**

سال سیزدهم، شماره ۴۹ «ویژه حضرت ابوطالب علیه السلام»، زمستان ۱۳۹۴، ص ۹- ۲۰



ابوطالب علیه السلام برگزیده‌ای ناشناخته

حامد فرج پور *

چکیده: پیامبر اکرم، حضرت صدیقه کبری و امامان دوازده گانه شیعه علیهم السلام، از جانب خداوند متعال برگزیده شده‌اند. این موضوع از دیرباز برای شیعیان حقیقتی روشن بوده است. دومین گروه برگزیده، گروه دیگری از برگزیدگان الهی‌اند که در رتبه بعدی جای دارند. این نوشتار به معرفی این افراد و جایگاه ایشان می‌پردازد. جناب عبدالمطلب، ابوطالب، حمزه سید الشهداء، جعفر طیار علیهم السلام نمونه‌هایی از افراد این برگزیدگان ناشناخته هستند.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت علیهم السلام، برگزیدگان الهی، عبدالمطلب، حمزه سیدالشهداء، جعفر طیار، ابوطالب.

طرح مقامات گروه برگزیدگان دومین به صورت نوشتاری مستقل سابقه زیادی ندارد. در مقاله «وراث اصطفائی مقامات الهی»^۱ سخن از اثبات به ارث رسیدن مقامات معنوی خصوصا اصطفاء مطرح است. هم چنین در «مفهوم و ملاک‌های اصطفاء»^۲، سخن اصلی پیرامون مفهوم اصطفاء و ملاک آن مطرح شده که تسلیم محض مصطفین در برابر خدای متعال است. «بررسی معنا شناختی اصطفاء و پیوند آن با مقام امامت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم»^۳ نیز در محتوا، از حیطة خصوص حضرت ابراهیم علیه السلام پا را فراتر نهاده و از نظر روشی بر حیطة معناشناختی اصطفاء تاکید نموده است.

مراد از اصطفاء در لغت و استعمالات روایی

اصطفاء در لغت به معنای برگرفتن بهترین و خالص‌ترین قسمت آب یا هر چیز دیگر است.^۴ این کلمه به معنی اختیار و برگزیدن بوده و معنای صافی، شفافیت و خلوص از هر آمیختگی را داراست.^۵ در اصطلاح علم کلام، اصطفاء و اجتناب یعنی اینکه خداوند متعال، افرادی را به عنوان حجت‌های خویش، برای مناصب الهی^۶ یا هدایت مردم به سوی سعادت برگزیند. این حجج الهی گسترده‌تر از انبیاء، رسولان و امامان علیهم السلام است. قرآن کریم در موارد متعددی با استعمال لفظ

۱. شیخ محمد سند/ محمدفریدانصاری، وراثت اصطفائی مقامات الهی، فصلنامه امامت پژوهی، تابستان ۱۳۹۰، شماره دوم.

۲. سلطانی ولاشجردی، هنگامه، مفهوم و ملاک‌های اصطفاء، مجله بینات، بهار ۱۳۹۱، شماره ۳۳.

۳. مهدی مطیع، محمدرضا حاجی اسماعیلی، زهرا کریمی، بررسی معنا شناختی اصطفاء و پیوند آن با مقام امامت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم، کتاب قیم، سال دوم ۱۳۹۱، شماره ۶.

۴. خلیل بن احمد؛ العین.

۵. مفهوم و ملاک‌های اصطفاء؛ هنگامه سلطانی ولاشجردی.

۶. وراثت اصطفائی مقامات الهی؛ شیخ محمد سند/ محمدفریدانصاری. فصلنامه امامت پژوهی شماره دوم.

اصطفاء و اجتناب به معرفی برخی از برگزیدگان پرداخته است.^۱ همچنین گروه دیگری در ادبیات قرآن و روایات به عنوان برگزیدگان الهی وجود دارند که متکلمین به آن‌ها اشاره‌ای نکرده‌اند. شاید علت نپرداختن به این موضوع و امثال آن در علم کلام، آن است که عموماً در علم کلام، متکلمین به دفاع از حداقل‌ها و قدر مسلم‌های مبانی دینی خود میل داشته‌اند.

این مصطفین گروهی از اولیاء الهی هستند که نصوص دینی آنها را مشخص کرده و می‌توان از ایشان با عنوان دایره دومین برگزیدگان اهل بیت علیهم‌السلام یا برگزیدگان ناشناخته نام برد. این گروه به اصطفاء و اجتناب الهی انتخاب شده‌اند. برگزیدگان الهی در درجات مختلف قرار داشته و بعضی بر بعض دیگر تفضیل داده شده‌اند،^۲ مقام و رتبه برگزیدگان ناشناخته در رتبه‌ای پایین‌تر از گروه برگزیدگان نخستین یعنی چهارده معصوم علیهم‌السلام و در عین حال بالاتر از تمامی انبیای الهی قرار دارد. در روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام افراد دایره اصطفائی ثانیه یا گروه برگزیدگان دومین معرفی شده‌اند. در این نوشتار به معرفی جایگاه عموم برگزیدگان دایره ثانیه و به ویژه جناب ابوطالب علیه‌السلام پرداخته می‌شود.

در مراجعه به روایات معتبره شیعه و کنار هم نهادن آن‌ها، می‌توان شبکه‌هایی مفهومی یافت که بعضاً منجر به تولید معانی جدیدی در عرصه مفاهیم دینی می‌شود. این گفتار، ضمن بهره‌گیری از این چارچوب و با روش کتابخانه‌ای و با مطالعه روایات شیعه به دنبال فهم و تبیین مقامات دایره برگزیدگان دومین است.^۳

۱. به عنوان نمونه بنگرید: انعام ۸۴ الی ۸۷، فاطر ۳۲، آل عمران ۳۳ و ۴۲، اعراف ۱۴۴، طه ۱۲۲، حج ۷۵، مریم سلام الله علیها ۵۸، نمل ۵۹، بقره ۱۳۰، خصوصاً آیه ۲۴۷ سوره بقره که ناظر به ماجرای جناب طالوت است و قرآن کریم واژه اصطفاء را در مورد او آورده، با این که او ظاهراً نبی یا رسول نبوده است.

۲. بقره ۲۵۳ و اسراء ۵۵.

۳. آیت الله شیخ محمد سند بحرانی در اثر اخیر خویش «الدائرة الاصفائیة الثانية لاهل البيت علیهم‌السلام» به معرفی کامل این برگزیدگان از منظر کتاب و سنت پرداخته است.

برگزیدگان ناشناخته یا افراد دایره دومین برگزیدگان، کسانی‌اند که بر انبیاء و رسل الهی برتری داده شده، بلکه ایشان سادات و آقایان تمامی خلق (به جز چهارده معصوم) در بهشت معرفی شده‌اند.

اصطفاء در متون روایات

شیخ طوسی در کتاب غیبت خویش از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت، خاندان جناب عبدالمطلب را سرور تمامی اهل بهشت دانسته و سپس به معرفی ایشان پرداخته، می‌فرماید: این افراد من، علی، حمزه، جعفر، حسن، حسین و مهدی دانسته هستیم.^۱ در این روایت، رسول خدا ﷺ جناب حمزه و جعفر را در کنار خود و بعضی از امامان دوازده‌گانه که از رتبه دایره اصطفائی اولی هستند، نام می‌برد. البته مقامات این برگزیدگان حول محور چهارده معصوم و در رتبه بعد از ایشان قرار دارد. از این میان علاوه بر حمزه و جعفر می‌توان به جناب عبدالمطلب و ابوطالب اشاره نمود.

آیات و روایات

اکنون به بررسی روایاتی می‌پردازیم که در آن، گروه برگزیدگان - اعم از برگزیدگان نخستین و برگزیدگان گروه دومین - را مشخص دارند.

۱. طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، جناب حمزه و جعفر بر تمامی انبیاء در روز قیامت مقام شهادت دارند^۲، و بنابراین بر تمامی انبیاء از جمله انبیاء اولوالعزم علیه السلام برتر هستند. چرا که مقام شهادت، نشان دهنده برتری شاهد بر مشهود علیه است. از این روی پیامبر اسلام ﷺ طبق آیات قرآن^۳ و روایات معتبر^۴ در روز قیامت،

۱. شیخ طوسی؛ الغیبه ص ۱۸۳.

۲. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَفَرُ وَحَمَزَةُ هُمَا الشَّاهِدَانِ لِلْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَا بَلَّغُوا... کلینی؛ کافی ۲۶۷/۸ ح ۳۹۲.

۳. نساء ۴۱، نحل ۸۹.

۴. از جمله روایت مورد بحث در کلینی، کافی ۲۶۷/۸ ح ۳۹۲.

شاهد بر تمامی خلق خواهند بود. در حالی که تصور عمومی در جامعه این است که انبیاء اولی العزم پس از چهارده معصوم علیهم السلام برترین خلق هستند. آیات قرآن مفاد روایت امام صادق علیه السلام در خصوص برتری جناب حمزه و جعفر علیهما السلام بر انبیاء را تایید می‌کند. بر اساس قرآن، حضرت موسی علیه السلام در مقام خطاب به خداوند متعال، مقام شاهد بودن نسبت به امتش پس از موت خویش را صریحاً از خود نفی می‌نماید.^۱ حال آن که روایت مذکور، این مقام علمی را برای جناب حمزه و جعفر علیهما السلام ثابت می‌شمارد.

۲. طبق گزارش شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در هنگام احتضار، با مشاهده حزن و اندوه صدیقه کبری سلام الله علیها در غم از دست دادن پدر، برای شاد کردن دختر خویش به بیان برخی از مقامات اصطفائی اهل بیت علیهم السلام پرداختند که محل شاهد آن مطرح می‌شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کلام خود را با این جمله آغاز فرمود: «انا اهل بیت» ما اهل بیته هستیم که... تا نشان دهد که واژه «اهل بیت» در کلام ایشان معنای اصطلاحی دارد، نه لغوی^۲ سپس ماجرای اصطفاء امامان دوازده‌گانه را توسط خداوند متعال بیان داشت، آنگاه فرمود: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ أَعْطَانَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ سِتَّ خِصَالٍ» فرمود: ما اهل بیته هستیم که خداوند متعال به ما شش خصلت و فضیلت داده که احدی از اولین و آخرین از آن بهره‌مند نیست؛ خلاصه مفاد آن شش خصلت این است که سید الانبیاء رسول خدا، سید الاوصیاء امیرالمؤمنین، سیدالشهداء حمزه، ذوالجناحین جعفر طیار، سیدا شباب اهل‌الجنه حسنین و نهایتاً مهدی این امت علیهم السلام، از ما اهل

۱. سوره مائده، آیه ۱۱۷.

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آیه تطهیر (احزاب/۳۳) نیز افرادی را که واژه «اهل بیت» شامل ایشان می‌شود با حدیث متواتر کساء شناسانده‌اند.

بیت است. طبق این گزارش، رسول خدا ﷺ با این جمله، جناب جعفر و حمزه علیهما السلام را به اهل بیت ملحق نمود و پس از مباحثات به اینکه جناب جعفر و حمزه علیهما السلام از اهل بیت هستند، به روشنی این دو بزرگوار را نسبت به تمامی امت اسلام غیر از چهارده معصوم علیهم السلام برتر و والاتر می‌شمارند.^۱

۳. آیات متعددی از قرآن کریم در مدح افراد دایره اصطفائیه ثانیه یا گروه برگزیدگان دومین نازل شده است. از جمله آیه (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...) ^۲ که امام باقر علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام شان نزول آیه را مدح امیرالمؤمنین، جناب حمزه و جعفر علیهما السلام می‌دانند.^۳

۴. نمونه دیگر، آیه (أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ...) ^۴ است. برابر با گزارش ابوبصیر از معصوم علیه السلام، این آیه نیز در مدح امیرالمؤمنین، حمزه و جعفر علیهما السلام نازل شده است.^۵

۵. در شمار افراد دایره اصطفائیه ثانیه، جناب عبدالمطلب جد گرامی رسول خدا ﷺ را می‌توان نام برد. نمونه‌ای از مقامات او در روایتی از امام صادق علیه السلام منعکس شده است. طبق این روایت جناب عبدالمطلب به عنوان نخستین کسی که به آموزه مهم توحیدی بداء معتقد بود، معرفی شده است.^۶ البته بر اساس عده‌ای از روایات، هیچ پیامبری بدون اقرار به آموزه توحیدی بداء به نبوت نرسیده است.^۷ شاید بتوان گفت وجه جمع این دسته از روایات با روایت مورد نظر، این باشد که

۱. شیخ صدوق؛ کمال الدین و تمام النعمه ۲۶۳/۱.

۲. احزاب ۲۳.

۳. شیخ صدوق؛ خصال ۲۷۶/۲. همچنین بنگرید: ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام ۹۲/۳.

۴. توبه ۱۹.

۵. کلینی، کافی ۲۰۳/۸-۲۰۴ ح ۲۴۵.

۶. کلینی، کافی ۴۴۷/۱ ح ۲۳ و ح ۲۴.

۷. کلینی، کافی ۱۴۸/۱ ح ۱۵ و ۱۶۵/۸ ح ۱۷۷.

جناب عبدالمطلب علیه السلام، در عوالم قبل، پیش از سایر انبیاء علیه السلام به آموزه بداء ایمان آورده، یا او نخستین کسی بوده که به درجات بالای اعتقادی در خصوص آموزه بداء معتقد شده است.^۱ همچنین امام صادق علیه السلام در این روایت تصریح می‌کنند که جناب عبدالمطلب علیه السلام در روز قیامت، در حالی که در هیبت پادشاهان و سیمای انبیاء الهی است، مانند امتی واحد برانگیخته می‌شود. افراد دایره اصطفائیه ثانیه اهل بیت علیه السلام واجد مقامات و برتری‌های خاصی هستند که بواسطه این مقامات، بر تمامی خلق به جز چهارده معصوم علیه السلام برتری یافته‌اند.

مقام جناب ابوطالب علیه السلام

در این میان، جناب ابوطالب، پدر امیرالمؤمنین علیه السلام از نمونه‌های بارز این برگزیدگان ناشناخته است. در روایات رسیده از اهل بیت علیه السلام ایمان جناب ابوطالب، امری مسلم فرض شده و حتی گفته‌اند که اگر کسی نسبت به ایمان او شک داشته باشد، خود کافر است؛ (إِنَّكَ إِنْ لَمْ تُقِرَّ بِإِيْمَانِ أَبِي طَالِبٍ كَانَ مَصِيرُكَ إِلَى النَّارِ)^۲ بلکه در مراحل بعدی، از مقامات خاص و برتری ایشان بر انبیاء اولوالعزم سخن به میان آمده است.

جناب ابوطالب علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای در میان برگزیدگان دومین برخوردار است. شیخ طوسی در کتاب امالی گزارش می‌کند که روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در رحبه کوفه نشسته و مردم گرداگرد ایشان جمع بودند. فردی خطاب به ایشان گفت: یا امیرالمؤمنین چگونه با چنین مقامی که دارید، پدر شما در جهنم معذب است؟!

امیرالمؤمنین علیه السلام از این سخن به خشم آمده و فرمودند: چگونه چنین باشد!

۱. هم چنین جهت شرح علامه مجلسی ره در خصوص این روایت رک مجلسی؛ مرآة العقول ۲۳۷/۵.

۲. کراچکی؛ کنزالفوائد ۱/ ۱۸۳.

حال آن که پدرم مقام شفاعت تمام گنه کاران روی زمین را داراست و خداوند متعال، در هنگام خلقت انوار اهل بیت علیهم السلام نور پدرم را بر همه خلایق پس از خمسه طیبه و باقی امامان (گروه برگزیدگان نخستین) برتری داده است.^۱

این گزارش دو خصوصیت بسیار مهم برای جناب ابوطالب علیه السلام بیان می‌دارد که جایگاه رفیع او را نشان می‌دهد. یکی مقام شفاعت تمامی مخلوقات خداوند متعال است که خود به تنهایی، علو مقام آن جناب بر سایر خلق را می‌رساند. نکته دیگر برتری و عظمت نور آفرینش آن حضرت بر دیگر آفریدگان است. اهمیت فوق العاده مطلب در این است که حتی انبیاء الهی هیچ یک از این دو شأن را در این رتبه والا، واجد نیستند.

علامه کراچکی در کتاب کنزالفوائد روایت کرده که یکی از شیعیان طی نامه‌ای از امام رضا علیه السلام راجع به ایمان جناب ابوطالب علیه السلام پرسید. طبق این گزارش، ایمان جناب ابوطالب علیه السلام به دین اسلام و نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روشن است و نیاز به پرسش ندارد. این گزارش آن است که یکی از عقائد مسلم شیعی طبق بیان امام رضا علیه السلام، اعتقاد به ایمان جناب ابوطالب علیه السلام است و نپذیرفتن آن موجب خروج از دایره ایمان می‌شود.^۲

همچنین علامه مجلسی به نقل از ابن شهر آشوب مازندرانی در المناقب، در گزارشی از خطبه جناب ابوطالب علیه السلام در هنگام ازدواج با جناب فاطمه بنت اسد آورده که جناب ابوطالب پس از حمد خداوند متعال با تصریح به لفظ «اصطفانا...» به توصیف مقام اصطفائی و برگزیدگی خود و خاندانش از جانب خدا می‌پردازد.^۳

۱. شیخ طوسی؛ امالی ص ۳۰۵ و ۷۰۲.

۲. کراچکی؛ کنزالفوائد ۱/ ۱۸۳.

۳. مجلسی، بحارالانوار ۹۸/۳۵ به نقل از ابن شهر آشوب، المناقب ۱/ ۱۷۱/۲.

اصطفائی بودن این مقام نزد علمای شیعه

برخی علمای شیعه بر اصطفائی بودن مقامات گروه برگزیدگان دومین و به ویژه جناب ابوطالب علیه السلام تاکید نموده، بلکه آن جناب را از اوصیاء انبیاء پیشین دانسته‌اند. این نکته نیز روشن است که مقام وصیت انبیاء، جز از طریق اصطفاء و اجتناب الهی حاصل نمی‌شود.

شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات، بابی را با عنوان «باب الاعتقاد فی آباء النبی صلی الله علیه و آله» گشوده است. عنوان این باب و طرح آن در کتابی که موضوع آن عقیده نگاری است (و نه تاریخ نگاری یا مناقب نگاری)، خود نشان می‌دهد که شیخ صدوق پذیرش مقامات آباء و اجداد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را یک اصل اعتقادی می‌داند. او در همین باب روایتی می‌آورد که طبق آن، جناب عبدالمطلب علیه السلام حجتی از حجج الهی و جناب ابوطالب علیه السلام وصی اوست.^۱

علامه مجلسی نیز در بحار الانوار^۲ اجماع و اتفاق علمای شیعه را بر اسلام و ایمان جناب ابوطالب آورده و اجماعی می‌داند که ایشان هیچ گاه بتی را نپرستیده، بلکه از اوصیاء حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است.

علامه شبر نیز در کتاب حق الیقین، یکی از واجبات اعتقادی شیعه را ایمان به مومن بودن پدر و مادر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و حضرت ابوطالب علیه السلام، به دلیل اجماع شیعه بر این مطلب می‌داند.^۳

کلید واژه «اشهد...» در متون زیارات

أشهد از مصدر شهادت است، یعنی: گواهی می‌دهم (اقرار می‌کنم)؛ واژه‌ای که

۱. شیخ صدوق؛ اعتقادات الامامیه ص ۱۱۰.

۲. مجلسی؛ بحار الانوار ۱۳۸/۳۵.

۳. شبر؛ حق الیقین فی معرفه اصول الدین ص ۱۳۳.

در متون زیارات امامان علیهم‌السلام به دفعات مطرح شده است. می‌دانیم که متون زیارت نامه‌های شیعی متونی خالص و خاص در انتقال معارف ناب اعتقادی، اخلاقی و تاریخی است و بر مفاهیم عمیق و مهمی دلالت دارند، لذا امامان علیهم‌السلام در مقام آموزش و انتقال معارف دینی، از این فرصت بهره گرفته و در این متون، اعتقاد به مقامات گروه برگزیدگان دومین را جزئی از مفاد اعتقادات دینی شیعی دانسته‌اند. تلفظ به واژه «اشهد» به این معناست که همانند شهادتین، [یعنی گواهی دادن و اقرار به توحید و نبوت] و شهادت ثالثه [گواهی دادن به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام] شهادت‌های دیگری نیز جزء اعتقادات شیعی محسوب می‌شود. بدین سان، دامنه اعتقادات در مراتب تفصیلی آن بسیار گسترده‌تر می‌شود، تا آنجا که به عنوان نمونه در زیارت جناب ابوطالب یا جناب حمزه علیهم‌السلام و... در مقام اقرار و گواهی به مقامات این بزرگواران، از لفظ «اشهد» استفاده می‌شود. در این زمینه دو نمونه نقل می‌شود:

نمونه اول: در زیارت جناب حمزه علیه‌السلام آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا...»^۱ شهادت می‌دهم که تو در راه خدا تلاش و مجاهدت کردی، جان خود را به خطر انداختی، برای رسول خدا خیر خواستی و به آن چه نزد خداوند متعال است رغبت داشتی.

یعنی اقرار به این مقامات جناب حمزه علیه‌السلام جزئی از اعتقادات شیعی است. نمونه دوم: در یکی از زیارتهای امیرالمؤمنین علیه‌السلام با استفاده از واژه «اشهد» به مقامات جناب ابوطالب علیه‌السلام شهادت داده می‌شود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ

۱. ابن قولویه قمی؛ کامل الزیارات ص ۲۲.

طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ^۱ شهادت می‌دهم که تو پاک و منزّه و پاکیزه [از هر پلیدی] هستی و از صلب شخصی پاک و منزّه و پاکیزه [از هر پلیدی] بر آمده‌ای. این مقام در متن این زیارت، به عنوان یکی از اعتقادات شیعی مطرح می‌شود.

نتیجه‌گیری

دائرة اصطفائیه ثانیه گروهی از اولیاء الهی هستند که بر مبنای نصّ دینی شناخته شده و مقام و رتبه ایشان در رتبه‌ای پائین‌تر از دائرة اصطفائیه اولی یعنی چهارده معصوم علیهم‌السلام قرار دارد. جناب عبدالمطلب، ابوطالب، حمزه سیدالشهداء، جعفر طیار علیهم‌السلام نمونه‌هایی از افراد دائرة اصطفائیه ثانیه‌اند. جناب ابوطالب، پدر امیرالمؤمنین علیه‌السلام یکی از نمونه‌های بارز این برگزیدگان ناشناخته است. ایمان به مقامات افراد گروه برگزیدگان دومین یا برگزیدگان ناشناخته، از خلقت نوری ایشان گرفته تا برتری بر دیگر آفریدگان، و همچنین برتری بر انبیاء اولی العزم، طبق روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام از جمله اعتقادات شیعیان است. این مهم، از عباراتی از زیارات معصومین علیهم‌السلام که با کلمه اشهد آغاز می‌شود، معلوم می‌گردد. در عرصه شناخت دائرة اصطفائیه ثانیه، تلاش‌های جدی در زمینه کنکاش میراث قرآنی و روایی در این زمینه و معرفی این برگزیدگان الهی ضروری است.

منابع

قرآن کریم

کتابها:

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
۲. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف، دارالمرتضویه، بی تا.
۳. شبر، سیدعبدالله، حق الیقین فی معرفه اصول الدین، نجف، مطبعه حیدریه، بی تا.
۴. شیخ طوسی؛ محمد بن حسن، الغیبه، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۵. شیخ طوسی؛ محمد بن حسن، امالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۱ ق.
۶. شیخ صدوق، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۷. شیخ صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۸. شیخ صدوق، محمدبن علی، اعتقادات الامامیه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.
۹. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. کراچکی، محمدبن علی، کنز الفوائد، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق.

مقالات:

۱۴. سلطانی ولاشجردی، هنگامه، مفهوم و ملاک های اصطفا، مجله بینات، بهار ۱۳۹۱، شماره ۷۳.
۱۵. سند، شیخ محمد، انصاری، محمد فرید، وراثت اصطفا فی مقامات الهی، فصلنامه امامت پژوهی، تابستان ۱۳۹۰، شماره دوم.
۱۶. مطیع، مهدی، حاجی اسماعیلی، محمدرضا، کریمی، زهرا؛ بررسی معنا شناختی اصطفا و پیوند آن با مقام امامت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم، مجله کتاب قیام، سال دوم ۱۳۹۱، شماره ۶.

